



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## انترناسیونال

# هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

### حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

# ۱۶۳

۲۳ خرداد ۱۳۸۲

۱۳ ژوئن ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

### دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## پایان جمهوری اسلامی با ندای

### "مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری"

پیام کورش مدرسی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت اعتراضات ۲۰ و ۲۱ خرداد

#### مردم آزادیخواه، دانشجویان آزاده!

اعتراضات ۲۰ و ۲۱ خرداد مستقل از اینکه از کجا شروع شد، به شعار مرگ بر جمهوری اسلامی انجامید. این قانون امروز هر تحرک سیاسی در ایران است. این اعتراضات بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی سد همه چیز است. مانع آزادی، مانع شادی، بانی فقر و استیصال است. اعتراض به خصوصی کردن دانشگاه، اعتراض به نبود آب و برق، اعتراض به گرانی، اعتراض به فقر، مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه، تلاش برای بهبود زندگی، و اصلاً تلاش برای زندگی کردن و حتی لحظهای شاد بودن مستقیماً با جمهوری اسلامی روبرو میشود و به مرگ بر جمهوری اسلامی میرسد. راه دیگری نیست. امروز دیگر نه دو خردادی‌های مضمحل شده و نه حتی ژورنالیست‌های نامحترم بخش فارسی بی‌بی‌سی نمیتوانند مردم ایران را طرفدار اصلاح‌طلبی اسلامی و اسلام "خوشرو" معرفی کنند. همه دیگر قبول کرده‌اند که اصلاح جمهوری اسلامی مسئله هرکس باشد مسئله مردم ایران نیست. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. جمهوری اسلامی باید برود. "مرگ بر جمهوری اسلامی" حکم ما مردم آزادیخواه ایران است. حکم همه کارگرانی است که جمهوری اسلامی آنها و خانواده‌شان را به تباهی و استیصال کشانده است. مرگ بر جمهوری اسلامی جرقه امید در چشم زن و دختر نوجوانی است که هنوز امید به رهایی از بردگی اسلامی را از دست نداده است. مرگ بر جمهوری اسلامی ندای آزادی و فریاد برای شادی و رهایی است. این جنبش را باید مستحکم کرد و به پیش برد. سرنگونی جمهوری اسلامی نزدیک است. این هم حکمی است که اعتراضات اخیر نشان داد.

اما سوالی که امروز در مقابل ما قرار

صفحه ۲

## کنگره چهارم حزب در دسامبر ۲۰۰۳ برگزار میشود

### کنگره علنی است

صفحه ۲

آئین نامه انتخابات کنگره چهارم حزب

## ۱۸ تیر روز "نه" به جمهوری اسلامی، روز برافراشتن پرچم آزادی و برابری است

پیام کورش مدرسی به مردم آزادیخواه



جمهوری اسلامی و روز برافراشتن پرچم آزادی - برابری خواهد بود. امسال جمهوری اسلامی بی‌ثبات تر از همیشه بی امید تر و در بن بست تر از همیشه و صفوفش بی‌افق تر و بهم ریخته تر از همیشه است. امروز، حتی در صفوف رژیم، کسی به فردائی برای جمهوری اسلامی باور ندارد. دارند بارشان را میسندند پول‌هایشان را خارج میکنند. موشها غرق شدن قطعی کشتی رژیم اسلامی را فهمیده‌اند. جمهوری اسلامی افتاده است. کسی باید قدرت را از دستش بگیرد.

از طرف دیگر دو خردادی در کار نیست. معلوم شد اسلام خوش

صفحه ۳

**دانشجویان و مردم آزادیخواه!**  
۱۸ تیر روز نه گفتن به جمهوری اسلامی، روز اعلام این حکم است که مردم آزادیخواه در ایران به چیزی کمتر از رهایی کامل از تباهی و سیاهی رژیم اسلامی و تضمین آزادی و برابری رضایت نخواهند داد. رفتن جمهوری اسلامی محتاج فراندنم نیست. جمهوری اسلامی باید برود و مردم بی فراندنم حکم به رفتن جمهوری اسلامی دادند. ۱۸ تیر روز اعلام همین حکم است و هراس جمهوری اسلامی از تجمعات ۱۸ تیر درست از همین است. امسال باید تضمین کرد که ۱۸ تیر همچنان روز نه گفتن به

### فاتح شیخ الاسلامی



## "نقشه"

### کدام "راه"؟

#### مردم فلسطین تا کی در این منگنه خونین له شوند؟

بدبینی افکار عمومی جهان به نشست هفته پیش بوش و شارون و محمود عباس، واقعی بود. چطور میشد باور کرد که بوش، این سمبل جنگ و جینگوئیسم، ناگهان "پیام آور صلح" شود؟ یا شارون، عامل اصلی و نهایی شکست پروسه صلح و مسئول مستقیم تحمیل سیکل جدیدی از کشتار و فقر و فلاکت بر مردم فلسطین، ناگهان شاخه زیتون به نوک بگیرد و بر فراز فلسطین و

### پیام ۱۸ تیر

صفحه ۳

### به کارگران اعتصابی بهشهر

صفحه ۲

یادآور دست دانه‌های ده سال پیش کلینتون و عرفات و رابین در چمن کاخ سفید بود. گلشت ده سال و بازگشت به نقطه ماقبل صفر؟! قهقرای زمان به قیمت عمر و زندگی نسلهای پی در پی؟ چرا و تا کی؟ ده سال پیش مطابق طرح صلح اسلو قرار بود بر معضل چهل و چند ساله فلسطین و مشقات تحمل ناپذیر

صفحه ۳

### فعالیت تبلیغی گسترده کمونیست ها در کوه های ایران

صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تهدید خامنه ای، وحشت از سرنگونی

صفحه ۴

## اطلاعیه مطبوعاتی حزب کمونیست کارگری ایران درباره برگزاری کنگره چهارم و انتخاب نمایندگان

### آئین نامه انتخابات کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

مصوب هیئت دبیران، نشست مورخ ۱۰ ژوئن ۲۰۰۳

۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگیرد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.

۲- جمع نمایندگان کنگره ۲۰۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۸۰ نفر و سهمیه تشکیلاتهای محلی ۱۲۰ نفر است.

۳- شرکت در انتخابات داوطلبانه است.

۴- هر عضو حزب فقط در یک حوزه میتواند رای بدهد.

۵- رای گیری به صورت کاملاً مخفی انجام میشود.

۶- شمارش آرا زیر نظارت هیئت دبیران انجام میشود.

۷- در انتخابات سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند. علاوه بر این، در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای رای دهندگان است.

۸- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۸۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۸۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد آرا شدند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.

۹- در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به هر تعداد مایل باشند رای بدهند. اما برکه های دارای آرای بیشتر از تعداد سهمیه باطل میشود. ۱۰- اعتبارنامه امنیتی نمایندگان قبل از شروع کنگره باید تأیید شده باشد. هرکس خود را کاندید میکند، اگر قبلاً تأیید امنیتی نگرفته باشد، باید فرم مربوط به تأیید امنیتی سطح کادر را پر کند.

۱۱- تشکیلاتهایی که با صندوق مرکزی تسویه حساب مالی نکرده اند نمایندگانشان فاقد حق رای قطعی در کنگره خواهند بود، همچنین نمایندگان که حق عضویتهای خود را تسویه نکرده باشند در کنگره حق رای قطعی نخواهند داشت.

۱۲- هیئت دبیران مرجع بررسی شکایات احتمالی از نحوه برگزاری انتخابات است.

۱۳- شهلا دانشفر از طرف هیئت دبیران مسئول مستقیم سازماندهی انتخابات است.

میباشد. رفقائی که قصد کاندیداتوری برای انتخابات سراسری دارند میتوانند با کمیته حزب در محل یا دفتر مرکزی حزب تماس بگیرند.

اصغر کریمی

رئیس هیئت دبیران حزب

۲۱ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳

### اصغر کریمی

به مبارزه شما جلب خواهد کرد. پایان اعصاب غذا به معنی شکست اعتراض شما نیست. میتوانید قطعنامه ای صادر کنید، عزم خود را برای تداوم مبارزه به اشکال دیگر و به سازمان دادن سایر کارگران و مردم مبارز شهر اعلام کنید، به کارگران و مردم مبارز شهر، به صدها هزار کارگری که در شرایط مشابه شما بسر میبرند و به مردم ایران پیام دهید و مطمئن باشید که پیام شما، به گوش همه خواهد رسید. مطمئن باشید که ما پیامتان را به گوش همه مردم در ایران و سازمانهای کارگری در اروپا و آمریکا و استرالیا خواهیم رساند. و مطمئن باشید که این اشکال تاثیر بیشتری در حرکت درآوردن مردم و پیروزی شما خواهد داشت.

به امید پیروزی

اصغر کریمی

۲۲ خرداد ۱۳۸۲، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳

بنا به مصوبه دفتر سیاسی حزب، کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران در دسامبر ۲۰۰۳ بطور علنی برگزار میشود. تعداد ۲۰۰ نماینده از تشکیلات های حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری فارسی زبان نیز برای حضور در این کنگره دعوت بعمل خواهد آمد.

## به کارگران اعتصابی چیت بهشهر

تقاضای پایان اعتصاب غذای کارگران بهشهر

### رفقای عزیز، همسنگران مبارز

مبارزه عادلانه شما برای بیرون کشیدن دستمزد خود از حلقوم کارفرماها و دولت اسلامی آنها موجی از همبستگی و حمایت را در میان اقشار مختلف مردم برانگیخته است. شما تا همینجا الگوئی از رزمندگی و مبارزه جویی، الگوئی از استواری و پیگیری در مقابل صدها هزار کارگر دیگری که ماهها دستمزد نگرفته اند، قرار داده اید. علیرغم سانسور اعتراضات شما نه تنها توسط رسانه های حکومت اسلامی بلکه همچنین توسط بسیاری از رسانه های فارسی زبان بین المللی و حتی بخش قابل توجهی از اپوزیسیون حکومت اسلامی، خیر اعتراضات شما در سراسر ایران و در میان سازمانهای کارگری در اقصی نقاط جهان پخش شده است. به شما بخاطر پافشاری و عزم جزمندان در مبارزه علیه حکومت اسلامی درود میفرستیم. در حالی دستمزد ناچیز شما را بالا کشیده اند که هرروزه میلیونها دلار توسط مقامات حکومت اسلامی بالا کشیده میشود و میلیونها دلار صرف زنان و شکنجه و نیروهای سرکوب و حزب الله میشود. این حکومت اسلامی و طیف انکل سرمایه دار است که شما را عملاً مجبور کردند حتی به اعتصاب غذا دست بزنید و جسم خود را نیز در معرض تهدید قرار دهید. موقعیت شما برای هر انسانی قابل درک است. اما بعنوان یک همسنگر شما توصیه میکنم به اعتصاب غذایان پایان دهید. اعتصاب غذای طولانی تا همینجا صدمات جسمی جبران ناپذیری به همه شما وارد کرده و تعدادی از شما را روانه بیمارستان کرده است. اعتصابات مکرر شما، تحصن های شما که با شرکت فعال خانواده های شما همراه بوده است، تظاهرات های شما که موجب حمایت دهها هزار نفره مردم مبارز بهشهر شده و همبستگی بین المللی کارگری با شما همه اینها نشان میدهد

## از صفحه ۱ پایان جمهوری اسلامی ...

دردت و سریعتر از دست جمهوری اسلامی رها شد؟ چگونه باید پیش رفت؟ چه باید کرد؟ و چگونه میتوان به آزادی و برابری رسید؟ پاسخ اولیه به این سوال شاید برای بسیاری روشن است. باید متحد شد، باید متحد و متشکل به میدان آمد. جمهوری اسلامی آنگذر پوسیده و بی افق و بهم ریخته است که یک تعرض نسبتاً وسیع مردم شیرازه آنرا از هم میپاشد. مانند جمهوری اسلامی ناشی از قدرت آن نیست از پراکندگی ماست، باید متحد شد. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. برای رهایی از چنگ جمهوری اسلامی اما این کافی نیست. جمهوری اسلامی خودش نمیرود باید آنرا انداخت. برای انداختن جمهوری اسلامی باید دور یک پرچم متحد شد. سوال این است که این پرچم کدام است و اتحاد حول چه چیز؟ و برای چه خواستی؟ این درست جانی است که باید انتخاب کرد. دیروز دو خردادی ها

و عده میدادند جمهوری اسلامی را از طریق اصلاح آن باید تغییر داد و پرچم اصلاح طلبی اسلامی را جلو مردم گذاشتند. آن پرچم و پرچمدار از میان رفتند. امروز اما پرچمهای دیگری را در مقابل مردم قرار میدهند که به همان اندازه گمراه کننده و برای رهایی از چنگال جمهوری اسلامی مخرب است. میگویند آمریکا قرار است بیاید و ما را نجات دهد. اولاً جز خود ما نجات دهنده دیگری نیست. اینها مردم، یعنی نیروی سرنگون کردن جمهوری اسلامی، را منتظر "مهلی" دیگری بنام جرج بوش میکنند، مبارزه مردم را کند میکنند و در عمل به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکنند. در ثانی برای ما "مهلی" آمریکا از مهلی اسلام چیز بهتری ببار نخواهد آورد. به عراق نگاه کنید. این آینههای نیست که ما خواهان آن هستیم. تغییر رژیم آمریکائی تباهی و محنت بیشتری از جمهوری اسلامی را به مردم تحمیل خواهد کرد. ما تغییر رژیم را خودمان

### مردم!

سألباست شروع کرده ایم. میگویند باید فرزاندم خواست. تصور اینکه جمهوری اسلامی قبول کند که در مورد ماندن و نماندنش فرزاندم کند تنها میتواند معلول ذهنی باشد که قبول نکرده است که مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و قبول نکرده است که جمهوری اسلامی خودش نمیرود. اینها هم به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکنند و به آن فرصت میدهند. اینها ممکن است راه اتحاد کسانی باشد که بعد از شکست دو خرداد میخواهند بشیوه دیگری مردم را از صحنه خارج کنند، جمهوری اسلامی را نجات دهند و یا از بالا حکومت خود را بر مردم تحمیل کنند. این راه اتحاد مردم برای نجات از دست جمهوری اسلامی نیست.

باید متحد شد اما این اتحاد باید حول نجات از دست جمهوری اسلامی و تضمین آزادی و برابری باشد. مردم باید حول یک پرچم روشن متحد شوند. این پرچم فی الحال در اهتزاز است: پرچم مرگ بر جمهوری اسلامی و پرچم آزادی - برابری.

### گورش مدرسی

۲۲ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳

از صفحه ۱

## "نقشه" کدام "راه"؟

آن برای مردم نقطه پایان گذاشته شود، چه شد؟ چه تضمین می‌کند این چرخ خوین از نو در دایره هرز نچرخد؟ آیا سیاستهای بوش و شارون از سیاستهای کلبنتون و رایین مشکل‌گشا ترند؟ همه میدانند که مشکل آفرین ترند. آیا محمود عباس برای باز کردن کلاف سردرگم تشکیل دولت فلسطین و عبور از مسیر پیچیده صلح، از عرفات تواناتر است؟ باتوریتیه تر است؟ سیاسی تر است؟ با امکانات تر است؟ واضح است که نیست.

پس آیا باز یک بازی تکراری و بی نتیجه در پیش است؟ قلم مسلم اینکه هدف سیاستهای بوش و شارون، پایان دادن به مشقات مردم فلسطین نیست. اما حرکت اخیر بوش و شارون، یک بازی تکراری هم نیست. این تلاشی در جهت بهره برداری از پیروزی نظامی آمریکا در عراق برای تحمیل نوعی نظام روابط میان دولتهای خاورمیانه است که متضمن تامین هژمونی آمریکا و تحکیم موقعیت اسرائیل در منطقه باشد. این دو به هم گره خورده اند. اما نه فقط تامین هژمونی بلکه هر درجه پیشرفت سیاست آمریکا در خاورمیانه، در گرو نقش آن در حل مساله فلسطین یعنی در تشکیل دولت فلسطین است. اینجاست که سیاستهای آمریکا و اسرائیل تماما بر هم منطبق نیستند. "نقشه راه" در وهله اول به آمریکا امکان میدهد که با در دست گرفتن کل پروسه تشکیل دولت فلسطین، و کوتاه کردن دست روسیه و اروپا و دول منطقه از آن، راه پیشرفت دیگر سیاستهای خود بر خاورمیانه که رکن مهمی در "نظم نوین جهانی" مورد نظر هیات حاکمه آمریکاست را تامین کند. در وهله دوم این طرح به اسرائیل هم امکان میدهد که در چارچوب پیشرفت سیاست منطقه ای آمریکا از بابت تحکیم موقعیتش، خواه در برابر دولت آتی فلسطین و خواه در ارتباط با سایر دول خاورمیانه خاطر جمع باشد. اما تشکیل دولت فلسطین یک ضرورت زمانه است که آمریکا و اسرائیل هیچیک نهایتا نمیتوانند از آن شانه خالی کنند. راست افراطی در هیات حاکمه اسرائیل و در راس آن شارون منتهای ظرفیت فاشیستی خود در کشتار و سرکوب و اشغال مجدد و تحمیل بی حقوقی و فقر بر مردم فلسطین را بکار انداخته و با اینحال نتوانسته و نخواهد توانست امنیت "موعود" را برای جامعه اسرائیل متحقق کند. هیات حاکمه اسرائیل با یا بدون شارون ناچار است به تشکیل دولت فلسطین تن در دهد. "نقشه راه" در اصل نقشه پیوند این راه توسط آمریکا و اسرائیل در هماهنگی کلی و اختلاف جزئی با یکدیگر است.

این طرح نهایتا قرار است به تشکیل یک دولت فلسطینی با مینیم اختیارات بینجامد. اینکه چنین وعده ای متحقق خواهد شد یا نه، مشغله اصلی آمریکا نیست، بلکه محصل کشمکش منافع عمومی تر آمریکا با منافع ویژه اسرائیل در مسیر راه است. مقامات فلسطینی یا عبارت درست تر نمایندگان سیاسی بورژوازی در فلسطین برای کسب همان سهم قدرتی که فکر میکنند در شرایط فعلی جهان و منطقه میتوانند بدست آورند، ناگزیر بدون هیچ قید و شرطی "نقشه راه" طراحی شده آمریکا را پذیرفته اند. جدال قدرت حرکت های ناسیونالیستی و اسلامی درون بورژوازی فلسطین و منازعات درونی خود این جریانات، بر پیچیدگی این معضل و در نتیجه بر امکان تکرار مشقات خوین و هر روزه مردم فلسطین افزوده است. جریانات ناسیونالیست بر جلو انداختن محمود عباس بعنوان یک چهره قابل قبول برای آمریکا و اسرائیل ساشز کرده اند اما این ساشز بر اثر تقویت موقعیت و نفوذ جریانات اسلامی در نتیجه جنگ اخیر آمریکا خشی شده است. جنگ آمریکا امکان نیروگرفتن و میدان مانور بیشتری به تروریسم اسلامی داده است و این به نوبه خود به دولت شارون دستاویز میدهد که در نحوه و شتاب اجرای "نقشه راه" کارشکنی کند. این در واقع مکانیسم استمرار دایره باطلی است که مردم فلسطین در منگنه خوین آن گیر افتاده اند و مشقاتشان از هر دو سوی کشمکش بازتولید میشود.

شکستن این دایره باطل در گرو رشد سوسیالیسم و آزادیخواهی در هر دو جامعه اسرائیل و فلسطین و حمایت بشریت آزادیخواه از مردم ستمدیده فلسطین در برابر سیاست امپریالیستی آمریکا، فاشیسم و تروریسم دولتی اسرائیل و همچنین در برابر دارودسته های تروریست اسلامی در فلسطین است. مبارزه مردم فلسطین برای رهایی از بی حقوقی و فقر و فلاکت و اشغال دولت اسرائیل، شایسته گرمترین پشتیبانی است. مردم آزادیخواه جهان باید خواستار توقف کامل، فوری و بی قید و شرط کشتار مردم فلسطین و خاتمه اشغال فلسطین، برسمیت شناسی دولت فلسطین و همزیستی مسالمت آمیز و متساوی الحقوق آن با دولت اسرائیل شوند. این تنها راه انسانی و فوری خاتمه وضعیت موجود و تامین زندگی مدنی در فلسطین و اسرائیل است و فرصت خواهد داد تا مردم در اسرائیل و فلسطین فارغ از سیطره تحریکات مذهبی و ناسیونالیستی در مورد آینده خود تصمیم بگیرند. پایان مشقات مردم فلسطین و تامین امنیت مردم اسرائیل نه با سیاستهای بوش و شارون، که با فشار بشریت آزادیخواه مقدور است. ■

## پیام ۱۸ تیر

کاظم نیکخواه



۱۸ تیر روزی فراموش نشدنی در تاریخ جنبش سرنگونی است. پا به میدان گناشتن ده ها هزار تن از دانشجویان و جوانان و حمایت وسیع مردم، سوت آغاز پایان حکومت را به صدا در آورد. و این در اوج تحرك دوم خرداد و مغالزه بخش اعظم جریانات بورژوازی رنگارنگ با حکومت اسلامی نوع خاتمی صورت گرفت و همه را شوکه کرد. درست در زمانی که تب لیبیک گفتن به حکومت اسلامی تحت عنوان دفاع از اصلاحات و جامعه مدنی اپوزیسیون را یکی بعد از دیگری در بر میگرفت و پیام های خوشامد گویی به خاتمی مستقیم و غیر مستقیم از هوا و زمین ارسال میشد، ۱۸ تیر چون بمبی در وسط صحنه سیاسی ایران ترکید و همه را از خلسه ی "جامعه آرام مدنی" و "دیالوگ تمدنها" به وسط واقعیات سیاسی ایران پرتاب کرد تا شرمگینانه باور کنند که سرنوشت جامعه ایران را بازی و سازشها و معاملات جریانات بورژوازی درون و بیرون حکومت تعیین نمیکند، باور کنند که کمونیستهای کارگری حق داشتند که از همان ابتدا شکست قطعی پروژه اصلاح حکومت اسلام بهمراه خاتمی و دوم خرداد را اعلام کردند و بر عزم توده های میلیونی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید نمودند. "انتخابات" دوم خرداد ۷۶ برای همه این طیف های اپوزیسیون بورژوازی از راست ملی مذهبی و ناسیونالیست تا طیفهایی از مشروطه خواهان و سلطنت طلبان چماقی شده بود تا ایام سرنگونی طلبی را با آن به مصاف بطلبند.

۱۸ تیر ۷۸ اعلام کرد که این بازیها قابل قبول نیست. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. دست مذهب و آخوند باید از زندگی مردم کوتاه شود. آزادی بیان و اندیشه حق بی چون و چرای مردم است. پیام ۱۸ تیر واضح بود. یک هفته جنگ و گریز خیابانی با سرکوبگران با شعارهای آزادیخواهانه بر علیه کل حکومت را نمیشد به دوم خرداد یا به "گذار مسالمت آمیز" به جمهوریت، یا به مشروطه و سلطنت و رفاندم و جمهوری دموکراتیک اسلامی و امثال اینها نسبت داد. شعارهای "آزادی اندیشه همیشه همیشه" و "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "توب تانک بسیجی دیگر اثر ندارد"، را به هیچ چیز جز جنبش رادیکال سرنگونی طلب نمیشد ربط داد.

۱۸ تیر شروع دوران دیگری را اعلام کرد که جنبش رادیکال سرنگونی صحنه تاریخ ایران را مبیایست رقم بزند. روزها و ماههای پس از ۱۸ تیر دوران توجیحات توخالی بهمراه عقب نشینی های خزند بود. بلندگوهای تبلیغی نظیر بی بی سی و اسرائیل که سخنگویی جناح خاتمی را به عهده گرفته بودند، "مفسرین" و "صاحب نظران" گوناگونی را از داخل و خارج به مصاحبه فرا خوانند

تا بر این "یبیک بنگ" صحنه سیاسی ایران آب پاشند. "قیام علیه ولایت فقیه" و "مسائل جوانان ناراضی" و "مقصر جناح راست است" و روانشناسی های مضحک کوچه بازاری را از زبان کسانی چون "کشتگر" و "شعله سعنی" و "داریوش همایون" و "نگهدار" و امثالهم به وفور به روی آنتن فرستادند تا بلکه دیگر ۱۸ تیری تکرار نشود، یا حداقل خود را تسللی بخشند. رسانه های کوچک و بزرگ رسمی و غیر رسمی میکروفن هایشان را از صبح تا شب دم دهان کاربستان دوم خردادی گرفتند تا بگویند و بیاوند و تقلا کنند اوضاع را آرام کنند. اما ۱۸ تیر مهر خود را بر همه چیز زده بود و دیگر کاری از دست این نوع تلاشها ساخته نبود. جنبشهای بعدی به همگان نشان داد که ۱۸ تیر رویدادی منفرد و منحصر بفرود نبود. جنبشهای بعدی دانشجویان، زنان، و تظاهرات زحمتکشان شهری در گوشه و کنار ایران به گرداندگان سازمانهای بورژوازی گوناگون نشان داد که آنتشی غیر قابل انکار در زیر خاکستر نهفته است و هرکس که عقل معاش دارد باید حساب خود را از حکومت اسلامی جلا کند. نمایندگان طیف سلطنت زدتر و به نحوی خزنده به کار و کسب قبلی خود برگشتند و عطای جامعه مدنی را به لقایش بخشیدند. پیامهای تبریک به خاتمی و تحلیلهای خوشبینانه نسبت به آینده حکومت از سایتهایشان جمع شد و لحنها تندتر گردید.

دوم خردادیهای درون اپوزیسیون اما اکثرا ماندند تا اینکه شکست پرسروصدای کنفرانس برلین و بعد از آن مبارزات توده ای و شورشهای دانشجویی دو سه سال بعد از آن ضربه نهایی را بر مغزشان وارد آورد و اکنون در زیر فشار چپ و سرنگونی طلبی، به صرافت جمهوریت با "یا حتی بدون" جمهوری اسلامی افتاده اند. مشکل همه اینها

اما برجای خود باقیست. خطر به میدان آمدن مردم و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب مردم خواب راحت برای هیچکدامشان باقی نگذاشته است. هرچه حکومت اسلامی بی آینده تر میشود، دشمنان رنگارنگی انقلاب هم رنگ تر میشوند. آنان که چهار پنج سال پیش از ۱۸ تیر حالشان گرفته شده بود اند، اما شورش و انقلاب با گروه خون هیچکدامشان جور در نمی آید. بجای آن، مسکن "رفراندم" به بازار عرضه شده است که گویا آتیجانا فریبنده است که میتواند میل به شورش و انقلاب را در جوانان و زنان و مردم به خشم آمده فرو بنشاند و فرصتی ایجاد کند تا جماعت بکمک دولتهای فقیهه تکلیف حکومت را از بالای سر مردم یکسره کنند. اکنون چهار سال پس از ۱۸ تیر ۷۸ جمهوری اسلامی هنوز سرنگون نشده است. اما این حکومت در اذهان همگان دفن گردیده است. دیگر سناریویی برای آینده این حکومت در دست کسی نیست. نه فقط حکومت اسلامی که حتی جمهوری دموکراتیک اسلامی و مذهب رسمی نیز دارد از ویرترین عقب مانده ترین جریانات بورژوازی جمع میشود. سملبهای سلطنت از دولت و حکومت "دموکراتیک و سکولار" و "انقلاب مسالمت آمیز" سخن میگویند و دولتهای کودتاگر مدافع بزیر کشیدن حکومت اسلامی "با قدرت مردم" شده اند. جمهوری اسلامی آینده ای ندارد. اما ۱۸ تیر بعنوان اولین ابراز وجود علنی و توده ای جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی با صلابت تر از قبل به جلوی صحنه آمده است.

## پیام کورش مدرسی

از صفحه ۱

کسی که علاقهای به دین داشته "روشن" است. آنچه امروز تازه است این است که آزادیخواهی تمام عیار که کمونیستها منادیان و نمایندگان آن هستند به جلو صحنه رانده شده. همه میبینند که جنبش سرنگونی جلو آمده و به یمن عروج چپ در جامعه قرار است قوانین اسلامی، عقب ماندگی و پوسیدگی فرهنگی و فکری، خفقان اسلامی، آپارتاید جنسی و بی حقوقی زن در جامعه را یک بار برای همیشه کنار گذاشته شود و آزادی و برابری، خلاصی فرهنگی جایگزین آنها شود.

۱۸ تیر امسال باید روزی باشد که مردم بار دیگر با صدای بلند آنچه که میخواهند را اعلام کنند. مردم آزادی میخواهند، همین را باید بگویند. مردم

کورش مدرسی

۱۶ خرداد ۱۳۸۲ - ۶ ژوئن ۲۰۰۳

## تهدید خامنه ای، وحشت از سرنگونی

فاتح بهرامی

تظاهرات های سه روز گذشته تهران گوشه دیگری از حرکت مردم ایران برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی بود. داشتند دعای الهی ما را از شر ۱۸ تیر محفوظ بفرما میخواندند که قبل از ۱۸ تیر فریادهای مردم و دانشجویان بر سرشان بارید: مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر رفسنجانی و خانمی، ... هر دو جناح رژیم باشکال مختلف و از جمله با توسل به نیروی انتظامی و اوباش لباس شخصی تلاش کردند جلو ادامه این اعتراض را بگیرند اما نتوانستند و علیرغم دستگیری و ضرب و شتم مردم هنوز ادامه دارد. خامنه ای از فرط وحشت راسا تهدید کرد و در ورامین عربده سر داد که رحم نمی کنیم. اما این رهبر اوباشان جز تهدید چگونه میتوانست وحشتش را مخفی کند؟ میداند که ارباب کارساز نیست اما کاری از دستش ساخته نیست، او و حکومتش چوب دو سر طلائی هستند که راه پس و پیش ندارند. ارباب و تهدید کارساز نیست چون انواع آنرا بکار گرفته اند و تازه به این روز افتاده اند. تاکنون صد و پنجاه هزار نفر را کشته اند، همین چند روز پیش یک گور دسته جمعی دیگر در سنجند کشف شد. میلیونها نفر را شکنجه و زندانی کرده اند. این مردم عملی کردن تهدیدات رژیم اسلامی و بیرحمانه ترین جنایات آنرا دیده یا شنیده اند که امروز رو در روی نیروی مسلح و سرکوبگر آن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای سر میدهند. این یک موج برگشت عظیم علیه حکومت اسلامی است که به کمتر از سرنگونی رژیم رضایت نمیدهد.

در مقابل تهدید و ارباب رژیم، اتفاقا عکس العمل مردم در چند سال اخیر و بویژه بعد از ۱۸ تیر ۷۸ قاطع تر و دندان شکن تر بوده است. پس از هر موج اعدام و بکیر و ببند اعتراضات مردم گسترده تر و شعارهای آنها صریحتر و مستقیم تر حکومت و سران آنرا نشان گرفته است. در مقابل مزاحمت های گله حزب الله برای جوانان، دختران و پسران جوان در تظاهرات میرقصند. بنبال سختگیرهای رژیم برای رعایت حجاب و پوشش اسلامی زنان آزادیخواه در همین تظاهراتهای تهران ماترهایشان را دور انداختند و چادرها را به آتش کشیدند. مردم هر جا امکان پیدا کنند و فرصت گیر بیایند به شکلی به آداب و رسوم اسلامی رژیم تف میکنند و در مقابلش میایستند. مردم از ضدیت با حکومت اسلامی و مقدساتش و ابراز مخالفت با آن کم ندارند. همین دلیل تظاهراتها و تجمعات که امکان قدرت جمعی مردم و توان مقابله با

مزدوران اسلامی را فراهم میکند، به وسیله ای برای گل کردن شجاعت و ابراز مخالفت و اعتراض مردم بدل شده اند. از اینرو هر فرصتی که برای بیان خواست ها و مطالبات مردم دست بدهد به اعتراض علیه رژیم اسلامی بدل میشود. مردم آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی میخواهند و حکومت اسلامی با اینها ضدیت دارد، باین دلیل مردم رژیم را نمیخواهند. جز سرنگونی حکومت اسلامی راهی برای خلاصی مردم نمانده است.

اما اگر مردم در مبارزه جوئی و ضدیت با حکومت اسلامی کم ندارند و هر تجمع و تظاهراتی به وسیله ابراز انزجار از رژیم بدل میشود، و اگر رژیم اسلامی توان سرکوب و بخانه فرستادن مردم را ندارد، پس چرا هنوز سر کار است؟ دلیل بسادگی عدم اتحاد و سازمانیافتگی مردم است. اتفاق نظر بر سر "نه" به جمهوری اسلامی وجود دارد، اما حرکت سازمانیافته اقشار مختلف با پرچم مطالبات واقعی آنها برای بزیر کشیدن حکومت ناچیز است. خواست واقعی مردم آزادی و برابری و رفاه است. کلیبی ترین مساله برای جنبش سرنگونی و رهائی مردم ایران امروز متشکل شدن زیر پرچم همین خواست واقعی است. باید توجه کرد که علاوه بر رژیم اسلامی جریانات دیگری دشمن آزادی و برابری و رفاه مردم هستند. جریاناتی از داخل و خارج حکومت سالها تلاش کردند که در خواست مردم را به سمت اصلاح حکومت و در بهترین حالت حاشیه ای کردن ولایت فقیه ببرند، شکست خوردند. امروز جریاناتی، و در راس آنها سلطنت طلبان، میکوشند با طرح شعار مضحک رفرا ندوم جلو تحقق خواست آزادی و برابری و رفاه مردم را بگیرند. بر همه معلوم شده که رژیم اسلامی رفتنی است، بنابراین دشمنان آزادی و برابری زور میزنند تا قبل از اینکه مردم آزادیخواه و برابری طلب رژیم را بزیر

### انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

بازخوانی منصور حکمت  
رشد و عروج حکمتیسم (مارکس معاصر)  
سخنران: ثریا شهابی

شنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۰۳، ساعت ۷ تا ۱۱ بعدازظهر

۲۹۷۵ دانمیلز، اوریول کامیونیتی سنتر

Tel: 416 737 9500 marx\_can1@yahoo.com

## اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های قبلی باطلاعتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند.

اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعدا باطلاعتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میایند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانید بطرق زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرید. بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتما بما اطلاع دهند.

تلفن: ۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+ جواد اصلانی

ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

۸ مه ۲۰۰۳

## فعالیت تبلیغی گسترده

## کمونیست ها در کوه های ایران

روزهای سیزدهم، چهاردهم و پازدهم خرداد ماه مسیرها و محل های تجمع گروه های ورزشی و کوهنوردی سراسر ایران در کوه های توجال تهران و سیلان و چل چشمه شاو و آبیبر مملو از پلاکاردها، شعارها و عکس رهبران حزب کمونیست کارگری بود که مورد استقبال و شادی گروه های ورزشی و زنان و مردان کوهنورد قرار گرفت. شعارهای نوشته شده در مسیرها شامل: آزادی، برابری، زنده باد جمهوری سوسیالیستی - زنده باد منصور حکمت - زنده باد کورش مدرسی - مردم به حزب کمونیست کارگری پیوندید، به سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید و

جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم بودند. پرچمهای سرخ با عکس منصور حکمت و مارکس، پوسترهای منصور حکمت و کورش مدرسی و دیگر تراکت ها در محل تجمع ها و مسیرهای عمومی نصب و دست به دست میشد. انعکاس این خبر در بسیاری از شهرها پیچیده است. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک به همه این عزیزان که چنین فعالیت درخشانی را سازمان دادند، از همه کمونیستها و همه فعالین چپ و آزادیخواه میخواهد هر چه وسیعتر و در اشکال مختلف حزب را در دسترس توده های میلیونی مردم قرار دهند. ■

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی!